

عوامل اجتماعی موثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی شهر رشت)

دکتر حمیدرضا جلائی پور*

مجید حسینی نثار**

چکیده

بزهکاری نوجوانان با آثار منفی روانی، اقتصادی و اجتماعی یکی از مسایل مهم اجتماعی ایران است؛ زیرا ایران از نظر ساختار جمعیتی کشوری با جمعیت نوجوان و جوان است. هدف این مقاله جستجو درباره علل بزهکاری نوجوانان، در مواردی مثل دزدی، تخریب و خشونت، در کل جامعه ایران نیست، بلکه تمرکز آن بر شهر رشت است تا با انجام چنین مطالعاتی در شهرهای بزرگ دیگر، زمینه برای اظهار نظر درباره جامعه ایران فراهم شود. در این بررسی از چارچوب نظری ترکیبی (نظریه عمومی جرم) متشکل از عناصری از نظریه‌های پیوند اجتماعی و خویش‌داری، استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که نوجوانانی که خویش‌داری ضعیفی دارند، پیوند اجتماعی ضعیف داشته و بزه بیشتری مرتکب می‌شوند.

واژگان کلیدی: بزهکاری نوجوانان، پیوند اجتماعی، خویش‌داری، مشغولیت و دلبستگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* حمیدرضا جلائی پور، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

h_jalaeipour@hotmail.com

** مجید حسینی نثار، کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی از دانشگاه تهران. کارشناس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

استان گیلان.

Hosseini302003 @ Yahoo.co.uk

مقدمه

بزهکاری نوجوانان یک رفتار غیرمعمول و از اشکال انحرافات اجتماعی است و گسترش آن حیات اجتماعی را به خطر می‌اندازد. به همین دلیل توجه محققان (جامعه‌شناس، جرم‌شناس و روان‌شناس) را به خود جلب کرده است. در این بحث دو سؤال مطرح است: نوجوان چه کسی است؟ و بزهکار کیست؟ در پاسخ به سوال اول عمدتاً از معیار سن استفاده می‌شود. در اغلب کشورها قوانینی که به بزه‌کاری نوجوانان مربوط می‌شوند، یک محدوده سنی را مشخص می‌کنند. در ایالت متحده آمریکا این محدوده سنی از یک ایالت تا ایالت دیگر متفاوت است و در اروپا نیز این تفاوت دیده می‌شود؛ به طور مثال معیار تشخیص نوجوان در بلژیک ۱۶ سال و در سوئد ۲۱ سال است. در آسیا نیز از ۱۵ سال در برخی کشورها مثل سریلانکا، لبنان، هندوستان تا ۲۰ سال متغیر است (دانشنامه آمریکا، جلد ۱۶: ۲۶۹). پاسخ به سؤال دوم مشکل‌تر است. واژه بزهکاری^۱ ابهام بیشتری دارد. این کلمه از کلمه لاتینی^۲ به معنای فراموشی و غفلت گرفته شده است که موارد وسیعی را در برمی‌گیرد. اما در اصطلاح جامعه‌شناسی به این معنا است که از معیارهای پذیرفته شده رفتاری در یک جامعه مشخص از سوی عده‌ای از نوجوانان غفلت می‌شود. در این مقاله رفتارهای نابهنجار و ضداخلاقی نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر رشت به خصوص رفتارهایی مثل دزدی، تخریب و خشونت علیه دیگران بررسی شده است.^(۱)

بزهکاری نوجوانان با تأثیرات منفی خود، از دو جهت، یکی از مسایل اجتماعی مهم جامعه ایران محسوب می‌شود. اول، چون نوجوانان در سن بلوغ و جامعه‌پذیری هستند و امکان اصلاح و تربیت آنها وجود دارد. در ایران آمار و ارقام معتبری در مورد بزهکاری وجود ندارد، اما آمارهای موجود رشد فراینده آن را در سال‌های اخیر نشان می‌دهد. گزارش سازمان زندان‌های ایران نشان می‌دهد تعداد افراد زیر ۱۸ ساله‌ای که در خرداد ماه سال‌های ۷۶، ۷۷ و ۷۸ دستگیر شده‌اند و به زندان یا کانون‌های اصلاح و تربیت تحویل شده‌اند به این ترتیب هستند: در خرداد سال ۷۶ جمعاً تعداد ۳۷۲۲ زیر ۱۸ سال دستگیر شدند که درصدی از آنان دختر بودند. در سال ۷۷، افراد دستگیر شده زیر ۱۸ سال ۳۸۹۴ نفر بود (دادگستر، ش ۲: ۹). دوم این‌که جامعه ایران از نظر ساختار جمعیتی، کشوری با جمعیت جوان است. جمعیت نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله طبق ارقام سرشماری سال ۷۵ چیزی حدود ۱۲ میلیون نفر یعنی حدود بیست درصد کل جمعیت را شامل می‌شود. برآورد جمعیت ۱۲ تا ۱۸ ساله‌ی استان گیلان در سال ۱۳۸۳ نیز رقم ۳۵۸۹۶۰ نفر را نشان می‌دهد (برآورد جمعیت استان گیلان تا سال ۱۴۰۰، معاونت آمار سازمان مدیریت استان). جمعیت کل استان نیز در این سال ۲۴۹۲۳۲۵ نفر است (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۸۳). بر اساس این برآوردها جمعیت نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله، ۱۴ درصد از جمعیت کل استان را در سال ۸۳ تشکیل می‌دهد.

بزهکاری در میان این جمعیت نه فقط موجب نگرانی مسئولان بلکه باعث نگرانی اغلب خانواده‌ها است. به عنوان نمونه در جریان مطالعه بزهکاری نوجوانان در شهر رشت با ابراز نگرانی والدین از وضعیت فرزندان

1. Delinquency

2. Delinquere

نوجوان‌شان درگفت و گویهای عمومی، مراکز مشاوره خانواده و مشاهده موارد فراوان بزهکاری نوجوانان در کوچه و خیابان‌های رشت و اغلب در مسیر مدرسه دانش‌آموزان (مثل به صدا درآوردن زنگ منازل و دزدگیری ماشین‌ها، شکستن شیشه‌ها، کتک‌کاری، فحاشی، تخریب وسایل نقلیه عمومی) رو به رو بودیم. در اهمیت این مطالعه می‌توان با آنتونی گیدنز همراه شد که مطالعات بزه‌کاری را یکی از جذاب‌ترین وظایف جامعه‌شناسی می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۳۰).

پیشینه تحقیق

بخش عمده‌ای از مطالعات انجام شده در عرصه علوم اجتماعی به پژوهش‌های آسیب‌شناسی اجتماعی اختصاص دارد. حدود چهار دهه است که مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی به طور عام و بزهکاری نوجوانان به طور خاص در کشور ما رایج شده و به دو شکل نظری و میدانی انجام گرفته است. یکی از مشکلات پروژه‌های انجام شده فقدان پیوند قابل دفاع میان موضوعات مورد تحقیق و مباحث است. برخی نیز مبحث فرضیه‌سازی را جدی نگرفته‌اند یا این که از لحاظ روش‌شناسی با ابهام رو به رو هستند. از میان تحقیقات متعدد تنها به دو مطالعه که به هدف این پژوهش تا حدی نزدیک بوده و با تکیه بر مکتب کنترل انجام گرفته است، اشاره می‌شود:

سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (ر.ک. مشکاتی و سادات، ۱۳۸۱: ۳۵-۲۵) عنوان طرحی است که در سال ۱۳۷۱ در بین نوجوانانی که به عنوان بزهکار در تهران دستگیر شده‌اند، انجام شد. چارچوب نظری تحقیق یک نظریه تلفیقی از دو نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و پیوندهای افتراقی سادرلند و کرسی است. از بین ۱۴۰ پسر در کانون اصلاح و تربیت و ۱۵ دختر در زندان اوین که زیر ۱۸ سال بوده و در سال ۷۱ دستگیر شده‌اند، با ۹۰ پسر و همه دختران مصاحبه سازمان یافته صورت گرفته است. چهار متغیر وابسته و ۸۱ متغیر مستقل اندازه‌گیری شده است. روش‌های آماری شامل تحلیل رگرسیون چند متغیره، رگرسیون لجستیک و تحلیل عاملی نشان می‌دهد که سه عامل بر شدت بزهکاری اثر دارند: باورها و نگرش‌ها، وابستگی نوجوانان به خانواده و ارتباط با بزهکاران. هرچقدر وابستگی نوجوانان به خانواده قوی‌تر باشد، از شدت اعمال بزهکارانه کاسته می‌شود. باورهای مذهبی عامل بازدارنده بزهکاری‌اند و ارتباط نزدیک با بزهکاران، نوجوان را به سوی بزهکاری سوق می‌دهد.

در سال ۱۳۸۰ مطالعه دیگری با عنوان «بررسی عوامل موثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان» (سخت‌اوت، ۱۳۸۰: ۷۶-۵۵) انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق ۹۷۵ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر رشته‌های مختلف تحصیلی در سه شهر خرم‌آباد، نورآباد و بروجرد است که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. محقق برای انتخاب متغیرها از نظریه گات فردسون و تراویس هیرشی استفاده کرده است. برخی از فرضیه‌های اصلی آن عبارتند از:

- میزان ناهنجاری‌های رفتاری در بین دانش‌آموزانی که پدران آنان بی‌کارند بیشتر از دانش‌آموزانی است که پدرانشان شاغل هستند.

- هرچه میزان پیوستگی دانش‌آموزان با مادران خود بیشتر باشد، میزان نابهنجاری‌های رفتاری هم در بین آنان کمتر است.

- هرچه میزان پنداشت از خود دانش‌آموزان مثبت‌تر باشد میزان نابهنجاری‌های رفتاری هم در بین آنان کمتر است.

در این تحقیق رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان در مدرسه و بیرون از مدرسه به طور جداگانه بررسی می‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که داشتن روابط در محیط خانواده و مدرسه، پنداشت از خود دانش‌آموز، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت به عنوان عوامل تاثیرگذار در نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر در نابهنجاری‌های رفتاری در بیرون مدرسه اهمیت بیشتری دارند. میزان نابهنجاری رفتاری در ۳۰ درصد دانش‌آموزان بالاتر از میانگین است. دانش‌آموزانی که والدینشان بی‌کار و یا بازنشسته هستند بیشترین نابهنجاری و کسانی که شغل پدرشان علمی - تخصصی است کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. هرچه خودپنداره دانش‌آموز مثبت‌تر باشد، میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموز کمتر است. بین رضایت از نظم مدرسه و میزان نابهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه و بیرون از مدرسه رابطه معکوس وجود دارد. فرضیه دیگری که اثبات شده این است که بین پیوند دانش‌آموز با مادرش و نابهنجاری‌های رفتاری‌اش رابطه معکوس وجود دارد. یافته دیگر این تحقیق وجود رابطه معنادار بین نابهنجاری‌های رفتاری در مدرسه و خارج از مدرسه است.^(۳)

چارچوب نظری

مسئله بزهکاری نوجوانان از پارادایم‌های مختلف جامعه‌شناسی مثل ساختارگرایی، فرآیند اجتماعی و تضاد مورد بررسی شده است. هر یک از این پارادایم‌ها عوامل خاصی را باعث گسترش بزهکاری می‌دانند، در این تحقیق (به شرحی که خواهد آمد) برای تبیین بزهکاری نوجوانان در شهر رشت از دیدگاه تلفیقی استفاده می‌شود. از دیدگاه ساختارگرایی، نیروهای اقتصادی و اجتماعی، ساکنان مناطق پایین اجتماعی را به انجام الگوهای رفتاری مجرمانه سوق می‌دهد. بی‌نظمی اجتماعی در مناطق پایین شهری و فقیرنشین و باندهای نوجوانان که نظارتی بر آنها صورت نمی‌گیرد، از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی‌اند. بسیاری از نظریه‌پردازان ساختار اجتماعی بر رفتارهای نسبتاً خشن کودکان تاکید دارند. آنها تاکید می‌کنند که نیروهای اجتماعی، بیشتر بر افراد نوجوان تأثیر می‌کند و این تأثیر در سراسر زندگی ادامه دارد. ساختارگرایان می‌گویند مردمی که در اوضاع اجتماعی نامتعادل زندگی می‌کنند، تمایل به رفتارهای مشابهی دارند و چون میزان جرم در مناطق پایین شهری نسبت به مناطق متوسط بیشتر است، باید بر رفتار تأثیر داشته باشد (سیگل، ۲۰۰۱: ۱۹۲).^(۳)

نظریه‌های فرآیند اجتماعی^۱ بزهکاری را بر اساس طبقه اجتماعی تبیین نمی‌کنند، بلکه بزهکاری را تابعی از جامعه‌پذیری افراد می‌دانند. این نظریه‌ها به تعامل افراد با سازمان‌های مختلف، نهادها و

فرآیندهای اجتماعی توجه می‌کنند.^(۴) بسیاری از افراد تحت تاثیر روابط خانوادگی، روابط با همسالان^۱، تجارب تحصیلی و تعامل با اشخاص مختلف مثل معلم، افسر پلیس و کارفرمایان هستند. اگر این روابط مثبت و حمایتی باشد فرد می‌تواند نقش‌های خود را در جامعه به خوبی ایفا کند؛ اما اگر این روابط مخرب باشد، دسترسی به موفقیت‌های مورد نظر امکان‌پذیر نیست و راه‌حل‌های بزهکارانه جایگزین‌های عملی می‌شوند. نظریه‌های فرآیند اجتماعی در یک مفهوم اساسی مشترک‌اند: همه افراد بدون توجه به نژاد، طبقه یا جنس‌شان، استعداد بزهکار یا مجرم شدن دارند. هرچند اعضای طبقه پایین ممکن است فشارهای بیشتری از جانب فقر، نژادپرستی، مدارس نامطلوب و زندگی گسیخته خانوادگی متحمل شوند، اما این فشارها می‌تواند از طریق روابط مثبت با همسالان، حمایت خانوادگی و موفقیت‌های تحصیلی خنثی شود. برعکس حتی اکثر اعضای ثروتمند جامعه ممکن است به رفتارهای ضد اجتماعی روی بیاورند، به شرطی که تجارب زندگی‌شان غیرقابل تحمل یا مخرب باشد (همان: ۲۲۴).

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های کنترل، نظریه پیوند اجتماعی است. این نظریه را تراویس هیرشی^۲ در کتاب علل بزهکاری در سال ۱۹۶۹ مطرح کرد. سؤال اصلی این است که چرا با این همه فرصت و فشار برای ارتکاب جرم، اکثر ما در اغلب مواقع پیرو قانون هستیم. مفهوم اساسی نظریه کنترل هیرشی، پیوند افراد به جامعه است. هیرشی این فرضیه را مطرح می‌کند که تمام افراد بالقوه قانون شکن‌اند، اما بیشتر آنها کنترل می‌شوند؛ زیرا می‌ترسند که رفتارهای غیرقانونی به روابط آنها با دوستانشان، خانواده، همسایه، معلمان و کارفرمایانشان آسیب برساند. بدون این پیوندهای اجتماعی یا روابط و بدون حساسیت نسبت به منافع دیگران، فرد آزادانه مرتکب فعالیت‌های بزهکارانه می‌شود. هیرشی جامعه را به شکل خرده فرهنگ‌های رقیب که نظام ارزشی منحصر به فردی دارند، در نظر نمی‌گیرد. بیشتر مردم به ضوابط قانونی و اخلاقی حاکم آگاهی دارند. او نشان می‌دهد که در تمام عناصر جامعه واکنش مردم نسبت به ارزش‌ها و قوانین اجتماعی مرسوم، متنوع است. در بین تمام اقوام، مذاهب، نژادها و گروه‌های اجتماعی، افرادی که به طور ضعیف به جامعه متصل شده باشند، امکان دارد قربانی الگوهای مجرمانه شوند (رید، ۲۰۰۰: ۱۶۷ - ۱۶۵).

از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. اعتقادات فرد با پیوند فرد به والدین آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد" (سخاوت، ۱۳۸۱: ۶۰).

هیرشی استدلال می‌کند که پیوند اجتماعی یک شخص را با جامعه ارتباط می‌دهد و دارای چهار عنصر است: دلبستگی، تعهد، مشغولیت و اعتقاد.

1. Peer

2. Travis Hirschi

دلبستگی^۱: اشاره دارد به حساسیت شخص به دیگران. روان‌کاوان بر این باورند که بدون معنای دلبستگی، شخص روان رنجور می‌گردد و توانایی برقراری ارتباط با جهان را به گونه‌ای منسجم از دست می‌دهد. پس پذیرش هنجارهای اجتماعی و گسترش یک آگاهی اجتماعی مبتنی است به دلبستگی و همچنین تحت مراقبت قرار گرفتن به وسیله انسان‌های دیگر. هیرشی، والدین، دوستان و مدرسه را به‌عنوان نهادهای اجتماعی مهمی در نظر می‌گیرد که از طریق آنها یک شخص باید پیوندهایش را حفظ کند. در این بین دلبستگی به والدین در زمره مهم‌ترین‌ها است. حتی اگر یک خانواده‌ای به واسطه طلاق یا جدایی از هم پاشیده شود، یک کودک باید وابستگی قوی را با یکی از این دو یا هر دو حفظ کند. بدون این دلبستگی بعید است که افراد دیگر به این شخص احترام بگذارند.

تعهد^۲: شامل زمان، انرژی و تلاشی است که در هر کنش مرسوم صرف می‌شود نظیر آموزش دیدن یا پس‌انداز پول برای آینده. اگر افراد تعهدی قوی با جامعه مرسوم داشته باشند کمتر اتفاق می‌افتد که درگیر کنش‌هایی شوند که جایگاه خودشان را به مخاطره اندازد. برعکس فقدان تعهد به ارزش‌های مرسوم می‌تواند نشانه وضعیتی باشد که در آن رفتار مخاطره آمیز نظیر جرم جایگزین رفتار معقولانه شود.

مشغولیت^۳: مشغولیت زیاد به فعالیت‌های مرسوم زمان کمی را برای فعالیت‌های غیرقانونی باقی می‌گذارد. هیرشی معتقد است که درگیری در مدرسه، تفریح و خانواده، افراد را از توانایی بالقوه انجام رفتارهای بزهکارانه باز می‌دارد. از سوی دیگر بی‌کاری باعث کشش به سوی رفتار بزهکارانه می‌شود.

اعتقاد^۴: افرادی که در زمینه‌های اجتماعی مشابهی زندگی می‌کنند در اعتقاد اخلاقی مشترکی سهیم هستند. آنها ممکن است به یک چنین ارزش‌های مشترکی وفادار باشند و همچنین نسبت به حساسیت داشتن به حقوق دیگران و تحسین کردن شیوه‌های قانونی وفادار بمانند. اگر این اعتقادات از بین برود یا تضعیف گردد، احتمال بیشتری وجود دارد که افراد در فعالیت‌های غیرقانونی ضداجتماعی مشارکت ورزند. هیرشی علاوه بر این معتقد است که روابط متقابل عناصر پیوند اجتماعی باعث کنترل رفتارهای بعدی می‌گردد، به طور مثال مردمانی که احساس خویشاوندی می‌کنند یا نسبت به والدین و دوستانشان حساس هستند احتمال بیشتری دارد که به سوی اهداف قانونی و مشروع کشیده شوند. از سوی دیگر شخصی که یک چنین روابط اجتماعی‌ای را نمی‌پذیرد، احتمال بیشتری دارد که نسبت به اهداف مرسوم بی‌توجه باشد. همچنین افرادی که تعهد بیشتری نسبت به اعمال یا اعتقادات مرسوم دارند، بیشتر به سوی فعالیت‌های مرسوم کشیده می‌شوند (Siegel, 2000, 238-239).

براساس این نظریه هر چه افراد کمتر وابسته، متعهد، مشغول و معتقد باشند، پیوند آنها با جامعه سست‌تر است و احتمال کج‌رفتاری‌شان بیشتر خواهد بود.

-
1. Attachment
 2. Commitmen
 3. Involvement
 4. Belief

نظریه‌های تضاد^۱ بر این باورند که ساختار اساسی اقتصادی و اجتماعی جامعه، رفتار افراد را شکل می‌دهد نه فرآیندهای جامعه‌پذیری یا گروه همسالان و الگوهای خرده فرهنگی. تضادگراها تلاش‌شان این است که جرم را در درون بافت‌های اقتصادی و اجتماعی توضیح دهند و ارتباط بین طبقه اجتماعی، جرم و کنترل اجتماعی را بیان کنند. نظریه‌های تضاد به جرم به عنوان پیامد مبارزه اجتماعی نگاه می‌کنند و مدعی‌اند که توزیع متفاوت قدرت در جوامع متکثر موجب می‌شود که برخی از گروه‌هایی که سهم کافی قدرت دارند، بتوانند قوانین و مقرراتی را به نفع خودشان و به ضرر گروه‌های رقیب تصویب کنند (رید، ۲۰۰۰: ۱۴۱-۱۴۲)؛ در چنین بستری بزهکاری شکل می‌گیرد.

از دیدگاه تلفیقی^۲ نظریه‌های تک عاملی نظیر ساختار اجتماعی و فرآیند اجتماعی نمی‌توانند تبیین کاملی از جرم عرضه کنند^(۵)؛ چون جرم مفهوم پیچیده‌ای است و در برگیرنده برداشت مجرم، قربانی، افراد و عاملان کنترل اجتماعی است. نظریه عمومی جرم^۳ یکی از نظریات مسلط تلفیقی است. این نظریه را که تراویس هیرشی و میشل گات فردسون^۴ در سال ۱۹۹۰ در تعدیل و بازسازی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی مطرح کردند، مفاهیم نظریه کنترل را با دیدگاه‌های زیست اجتماعی، روان‌شناختی و فعالیت‌های روزمره و نظریه‌های انتخاب عقلانی ترکیب می‌کند. آنها نظریه‌های سنتی جرم را رد می‌کنند. از این دیدگاه جرم امری منطقی، عقلانی، و پیش‌بینی‌پذیر است. افراد زمانی مرتکب جرم می‌شوند که این امر پاداش دهنده باشد و تهدید برای مجازات می‌تواند جلوی جرم را بگیرد. به عبارتی هر چه خطر جرم بیشتر باشد؛ میزان جرم کاهش می‌یابد (های، ۲۰۰۱: ۲۰۶-۲۰۹). «گات فردسون و هیرشی در پاسخ به این سؤال که چرا مردم مرتکب جرم می‌شوند، می‌گویند پاسخ ساده است؛ زیرا جرم و فعالیت‌های مشابه ارضاکنده هستند» (پرات و کالن، ۲۰۰۰: ۹۳۱).

از نظر گات فردسون و هیرشی تمایل به ارتکاب جرم بستگی به سطح «خویشتنداری»^۵ دارد. مفهوم اصلی این دیدگاه «خویشتنداری پایین»^۶ است. اشخاصی که خویشتنداری پایین دارند، ویژگی‌های متفاوتی دارند. اول اینکه آنها به دنبال خشنودی فوری با یک نگرش اینجا و اکنونی هستند. در مقایسه، خویشتنداری بالا با توانایی به تعویق انداختن خشنودی همراه است. دوم، افرادی که خویشتنداری پایین دارند از شیوه‌های آسان یا ساده برای برآوردن خواسته‌هایشان استفاده می‌کنند. جرم، پول بدون زحمت و ارضای جنسی سریع و بدون مقدمه (عشق‌بازی) را برایشان فراهم می‌کند. سوم، آنها نیازهایشان را با ارتکاب به جرم که با خطرپذیری، چالاکي، هیجان و فریب‌کاری همراه است، برطرف می‌کنند. در مقایسه اشخاصی که خویشتنداری بالا دارند به احتیاط، اندیشیدن و استدلال گرایش دارند. چهارم، اشخاصی که خویشتنداری پایین دارند پایداری کمی در زندگی‌شان دارند. به دلیل انجام جرایم، پایداری در کار یا

-
1. Conflict theories
 2. Integrated
 3. General Theory of Crime
 4. Travis Hirschi and Michael Gottfredson
 5. Self-Control
 6. Low Self-Control

حرفه، دوستی‌ها یا زندگی خانوادگی ندارند. برای انجام جرم نیاز به توانایی و برنامه‌ریزی بلند مدت که نیاز به صبر و حوصله داشته باشد، نیست. بنابراین، اشخاصی که خویش‌تنداری پایین دارند، به دنبال کسب مهارت‌های فکری و عملی نیستند. پنجم اشخاصی که خویش‌تنداری پایین دارند خود محوراً، بی‌تفاوت و بدون حساسیت به رنج و نیازهای دیگران هستند. نهایتاً افراد با خویش‌تنداری پایین تحمل کمی نسبت به ناکامی دارند و به پاسخ فیزیکی به شرایط گرایش دارند نه شیوه معنایی و زبانی. این افراد برای درگیری در فعالیت‌های بزهکارانه در سراسر زندگی شان مستعدتر از افرادی هستند که خویش‌تنداری بالا دارند. خویش‌تنداری پایین با فرصت‌های جرم اثر متقابل دارد. زمانی که فرصت ارتکاب جرم وجود دارد، شخصی که خویش‌تنداری بالا دارد مستعد ارتکاب به این عمل نیست، اما یک شخص با خویش‌تنداری پایین مستعد تسلیم شدن است. فردسون و هیرشی ادعا می‌کنند که نظریه آنها یک نظریه عمومی است که همه جرم‌ها را در تمام زمان‌ها تبیین می‌کند (گات فردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷-۹۰ به نقل از ولد و دیگران، ۲۰۰۰: ۱۸۹-۱۹۱). آنها معتقدند که جرم سبب ارضای خاطر سریع و آسان فرد کج رفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که به دنبال ارضای خاطر سریع است و اهداف کوتاه مدتی در زندگی دارد و تمایل بیشتری به مصرف الکل و سیگار دارد. از نظر این دو محقق ریشه خویش‌تنداری ضعیف را باید در خانواده و ناکارآمدی جامعه‌پذیری فرد در دوران کودکی یافت (گات فردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷-۹۰). از این دیدگاه علل اساسی خویش‌تنداری ضعیف در اعمال تربیت نامناسب و ناشایسته کودکان است. خویش‌تنداری ضعیف در مراحل اولیه کودکی بسط یافته و در سراسر دوران نوجوانی ثابت باقی می‌ماند (Turner, 2002: 2) والدینی که در کنترل و مراقبت از رفتار بچه‌ها ناتوانند یا مخالف کنترل رفتارهای بچه‌ها هستند، با تشخیص رفتار انحرافی در بچه او را مجازات می‌کنند و این مجازات موجب می‌شود بچه خویش‌تنداری‌اش را از دست بدهد (Longshore, 1998: 102-114).

چارچوب نظری تحقیق

به سه دلیل نظریه تلفیقی هیرشی و گات فردسون گرایش نظری این تحقیق را تشکیل می‌دهد. یک، هیرشی در طول سه دهه نظریه خود را ارزیابی تجربی و نظری کرده است و نهایتاً در سال ۱۹۹۰ نظریه جدیدش را با عنوان نظریه عمومی جرم مطرح کرده و مدعی است که قابلیت تبیین همه نوع جرم و بزهکاری را در تمام زمان‌ها و مکان‌ها دارد. تحقیقات او محل ارجاع تحقیقات زیادی درباره بزهکاری است. دوم، نظریه عمومی جرم بر نوجوانان متمرکز است و با تحقیق حاضر که بر نوجوانان رشت تمرکز دارد؛ مناسب است. سوم این نظریه در تحقیقات مربوط به بزهکاری نوجوانان در ایران استفاده و آزمون تجربی نشده است.

روش تحقیق

روش این تحقیق براساس رهیافت علمی^۱ و از نوع پیمایش است. «پیمایش غالباً با تعیین افرادی که نماینده و معرف گروه مورد بررسی‌اند (نمونه) و طرح سوالاتی که باید از آنها پرسیده شود، آغاز می‌شود» (بیکر، ۱۳۷۷: ۲۴). در تحقیق حاضر از پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده و اطلاعات به شیوه پیمایش خود اظهاری^۲ به‌دست آمده است. در این نوع مطالعه، پاسخگویان به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهند که از نوع، میزان و کیفیت مشارکت آنها در شکل‌های متفاوت بزه‌کاری حکایت می‌کند. این نوع مطالعه در تعیین میزان شیوع بزه‌کاری‌های ثبت نشده و نیز تخمین شمار بزه‌کاران ناشناخته، معمولاً از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و عمدتاً در مورد بزه‌کاری‌های نوجوانان و جوانان و جمعیت‌های دانش‌آموزی به ویژه در مدارس به کار می‌رود (Zhang, 2000: 284-288). تحقیقات فراوانی را محققان خارجی از جمله (هیرشی، نترلر، گیبسون و رایت) با این روش انجام داده‌اند.

جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان پسر سال دوم و سوم مقطع متوسطه شهر رشت در دو ناحیه یک و دو در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ هستند. جامعه آماری این تحقیق بعد از کم کردن دانش‌آموزان مدارس بزرگسال حدود ۱۲۳۰۰ نفر است که ۲۰ درصد از آنها در مدارس غیرانتفاعی و ۸۰ درصد در مدارس دولتی هستند. **حجم نمونه** این تحقیق بر اساس مطالعات قبلی در مدارس و با توجه به وقت و بودجه تحقیق و اینکه مراجعه به افراد بیشتر از سوی محقق در فرصت کوتاه موجود ممکن نبود، ۴۰۰ نفر تعیین شد و این تعداد با ۱۰ درصد اضافه به علت سوخت احتمالی و جواب‌های ناقص دریافتی به ۴۴۰ نفر افزایش یافت که نهایتاً ۳۵ پرسش‌نامه ناقص از ردیف خارج شد و ۴۰۵ پرسش‌نامه کامل باقی ماند. بنابراین، حجم نمونه واقعی ۴۰۵ نفر شد. زمان مراجعه به دانش‌آموزان نیز اردیبهشت ۸۳ است.

شیوه نمونه‌گیری این پژوهش از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای سه مرحله‌ای طبقه‌ای است. جامعه آماری به دو طبقه برحسب دو ناحیه آموزش و پرورش تقسیم، سپس در هر طبقه مدارس برحسب نوع مدرسه به سه طبقه مدارس متوسطه نظری، فنی و حرفه‌ای طبقه‌بندی شد، بعد از آن مدارس براساس دولتی بودن به دولتی و غیرانتفاعی تقسیم شده است. در مرحله اول مدارس براساس طبقات دولتی و غیردولتی و نظری، فنی و حرفه‌ای بودن به طور تصادفی انتخاب شدند. مرحله دوم نمونه‌گیری، انتخاب تصادفی کلاس‌ها از بین مدارس منتخب و مرحله سوم نیز انتخاب دانش‌آموزان در هر کلاس به طور تصادفی بود.

بر اساس چارچوب نظری این مقاله، فرضیه‌های مورد بررسی عبارت‌اند از: یک، خویش‌تنداری رابطه معکوسی با بزهکاری نوجوانان دارد. دوم، پیوند اجتماعی رابطه معکوسی با بزهکاری نوجوانان دارد. سوم، خویش‌تنداری رابطه مستقیمی با پیوند اجتماعی دارد. مفاهیم اصلی پژوهش نیز عبارتند از: خویش‌تنداری^۳.

-
1. Scientific Approach
 2. Self-reported survey
 3. ControlSelf

پیوند اجتماعی^۱، دلبستگی^۲، تعهد^۳، مشغولیت^۴، اعتقاد^۵ و بزهکاری نوجوانان^۶ متغیر پیوند اجتماعی بر میزان ارتباط فرد با دیگران دلالت دارد که از چهار بعد برخوردار است: دلبستگی، تعهد، مشغولیت، اعتقاد (Siegel, 2001: 238). این متغیر با ۱۹ گویه اندازه‌گیری می‌شود. متغیر دلبستگی به این معنا است که فرد نسبت به دیگران حساس است. اگر فرد پیوند نزدیکی با آنها داشته باشد، احتمال این‌که مطابق با انتظار آنها رفتار کند و مراقب رفتارشان باشد بیشتر است. دلبستگی ۱۱ بعد قابل مشاهده دارد. متغیر تعهد نوعی سرمایه‌گذاری است که شخص در قراردادهای جامعه دارد و میزان خطری است که او در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماعی احساس می‌کند (مثل از دست دادن شغل). متغیر مذکور در قالب دو گویه بررسی می‌شود. متغیر مشغولیت به درگیری زیاد در فعالیتهای مرسوم نظیر مشارکت در فعالیتهای خانه، فوق برنامه مدرسه و عضویت در باشگاه‌های ورزشی مربوط می‌شود (همان). سه سوال به سنجش این مفهوم اختصاص دارد. متغیر اعتقاد به این معنا است که فرد هنجارهای قراردادی و قوانین جامعه را می‌پذیرد و به آنها احترام می‌گذارد (Ibid: 238-239). برای سنجش اعتقاد از سه گویه استفاده شده است.

جدول شماره ۱: معرف‌های متغیر پیوند اجتماعی

متغیر	شاخص	گویه
پیوند اجتماعی	دلبستگی	دلبستگی به معلم
		معلمان اغلب توانایی درک مشکلات شخصی ما را ندارند.
		مشکلاتم را با پدر و مادرم در میان می‌گذارم.
	دلبستگی به والدین	احترام فراوانی برای والدینم قایلیم.
		کاملاً به والدینم اعتماد دارم.
	دلبستگی به دوستان	والدینم افراد پر توقعی هستند.
		پدر و مادرم غالباً در کارهای خصوصی‌ام دخالت می‌کنند.
		والدینم نمی‌توانند مرا درک کنند.
		برای ارتباط با دوستان خوبم اهمیت زیادی قایلیم.
تعهد به اهداف آینده	هدف من از درس خواندن راه یابی به دانشگاه است.	
	تمایل چندانی به ادامه تحصیل ندارم.	
مشغولیت	در طول هفته چند ساعت در فعالیتهای خانه مشارکت می‌کنید؟	
	در طول هفته در فعالیتهای فوق برنامه مدرسه چند ساعت حضور دارید؟	
اعتقاد	چند ساعت در هفته ورزش می‌کنید؟	
	احترام فراوانی برای پلیس قایل هستم.	
	هر موقع نفع خودم ایجاب کند قانون را زیر پا می‌گذارم.	

1. Social bond
2. Attachment
3. Commitment
4. Involvement
5. Belief
6. Juvenile Delinquency

خوبشنداری به میزان کنترلی که فرد در برابر فرصت‌های بزهکاری بر خودش دارد، گفته می‌شود. این متغیر شش بعد دارد: ریسک‌پذیری، واکنش معنایی یا غیرمعنایی، پشتکار داشتن، خود محور بودن، تابع امیال آنی بودن و عصبانیت (گات فردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۸۹). این متغیر با ۱۲ گویه سنجیده می‌شود. متغیر بزهکاری نوجوانان که متغیر وابسته این تحقیق است به اعمالی گفته می‌شود که منع قانونی دارد و توسط نوجوانان گروه سنی ۱۲-۱۸ سال انجام می‌شود. بزهکاری برای دامنه وسیعی از رفتارها شامل تهاجم به ارزش‌های قابل احترام (مثل فرار از مدرسه) تا جرایم کوچک و گاهی بزرگ (مثل دزدی از مغازه، سرقت ماشین و ...) به کار می‌رود. هشت گویه نیز بزهکاری را می‌سنجد.

جدول شماره ۲: معرف‌های متغیرهای خوبشنداری و بزهکاری

متغیر	شاخص	گویه
خوبشنداری	عصبانیت	زود از کوره در می‌روم .
		وقتی عصبانیم نباید کسی سر به سرم بگذارد .
	تابعیت از امیال آنی	عصبانی شدنم چندان دست خودم نیست .
		بیشتر نگران این هستم که در کوتاه مدت چه اتفاقی برایم می‌افتد تا در بلند مدت .
		غالباً بدون فکر و آمادگی قبلی عمل می‌کنم .
		بیشتر چیزی را انجام می‌دهم که به طور آنی لذت بخش باشد، حتی به قیمت نرسیدن به برخی از اهداف بلند مدت .
	خود محوری	سعی می‌کنم چیزهایی را که می‌خواهم به دست آورم حتی اگر بدانم این کار سبب ایجاد مشکل برای دیگران خواهد شد .
		صرفاً به فکر خودم می‌باشم حتی اگر این کار به ضرر دیگران تمام شود .
	ریسک پذیری	برایم هیجان و ماجراجویی از امنیت مهمتر است .
		گاهی برخی از کارها را با وجود این که می‌دانم برایم مشکل زا و دردسر ساز است، انجام می‌دهم، صرفاً به دلیل هیجانی که به من دست می‌دهد.
واکنش زبانی	پشتکار	من غالباً از انجام کارهای سخت و مشکل دوری می‌کنم .
	در اکثر موارد با صحبت کردن مشکلاتم را حل می‌کنم و نیازی به استفاده از زور نمی‌بینم.	
بزهکاری	دزدی	تا به حال چیز کم ارزشی (کمتر از ۲۰۰۰ تومان مثل کتاب) را که متعلق به خودتان نبوده، برداشته‌اید؟
		تا حالا چیزی به قیمت ۲ تا ۵۰ هزار تومان را که متعلق به خودتان نبوده، برداشته‌اید؟
		تا حالا چیزی به قیمت بیش از ۵۰ هزار تومان را که متعلق به خودتان نبوده، برداشته‌اید؟
	خشونت	تا به حال پیش آمده که پول فیلم، تاکسی، استفاده از کامپیوتر و یا چیز دیگری را نپردازید؟
		تا به حال پیش آمده که با تهدید و زور از کسی پول بگیرید؟
		چه قدر شده که یکی از اعضای خانواده را کتک زده یا مجروح کنید؟
		تا حالا شده که دیگران را کتک زده یا مجروح کنید؟
تخریب	چه قدر پیش آمده که اموال و اثاثیه‌ی دیگران را خراب کنید؟	

اعتبار^۱ و پایایی^۲

اعتبار سنجش مبتنی بر اعتبار سازه‌ای^۳ است. اعتبار سازه‌ای از طریق تحلیل عاملی مورد تایید قرار گرفته است. میزان (KMO)^۴ تحلیل عاملی متغیر خویشتنداری ۰/۷۰ است که در سطح قابل قبولی است و نشان می‌دهد که داده‌ها از قابلیت لازم برای تحلیل عاملی برخوردارند. میزان معناداری آزمون بارتلت^۵ نیز ۰/۰۰۱ است که نشان از برازش تحلیل عاملی دارد یعنی متغیرهای مشاهده شده می‌توانند عامل مورد نظر را به خوبی بسنجند و قابل تعمیم هستند.

جدول شماره ۳: ماتریس چرخش یافته اجزای خویشتنداری

عواملها						متغیرهای مشاهده شده	R ^۲
۶	۵	۴	۳	۲	۱		
زبانی	پشتکار	ریسک‌پذیری	آنی بودن	خودمحوری	عصبانیت		
				۰/۸۸		به‌دست‌آوردن همه چیز	۱
				۰/۹۰		به فکر خود بودن	۲
					۰/۷۴	از کوره در رفتن	۳
					۰/۷۹	سر به سر گذاشتن	۴
					۰/۸۱	عصبانی شدن	۵
			۷۸/۰			نگران کوتاه مدت	۶
			۶۷/۰			بدون فکر	۷
			۰/۶۲			لذت آنی	۸
		۰/۸۴				ماجرایوبی	۹
		۰/۸۴				هیجان	۱۰
	۰/۹۲					دوری از کارهای سخت	۱۱
۰/۹۳						زبانی	۱۲

مقدار KMO متغیر پیوند اجتماعی ۰/۷۱ است. آزمون بارتلت نیز معناداری را در سطح ۰/۰۱ نشان می‌دهد.

1. Validity
2. Reliability
3. Construct Validity
4. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling
5. Bartlett's test

جدول شماره ۴: ماتریس چرخش یافته اجزای پیوند اجتماعی

رتبه	متغیرهای مشاهده شده	عواملها					مشغولیت
		دلبستگی به معلم	ارتباط با والدین	اعتقاد	ارزیابی از والدین	تعهد	
۱	مشورت با معلم	۰/۶۵					
۲	نظر معلم	۰/۶۷					
۳	عدم درک معلم	۰/۶۴					
۴	احترام به والدین		۰/۷۲				
۵	صحبت با والدین		۰/۶۳				
۶	اعتماد به والدین		۰/۶۵				
۷	پرتوقعی والدین				۰/۶۵		
۸	دخالت والدین				۰/۷۵		
۹	عدم درک والدین				۰/۶۱		
۱۰	ارتباط با دوستان					۰/۸۲	
۱۱	نظر دوستان					۰/۷۵	
۱۲	احترام به پلیس			۰/۵۳			
۱۳	کارهای نادرست			۰/۸۳			
۱۴	عدم رعایت قانون			۰/۸۳			
۱۵	راه‌یابی به دانشگاه					۰/۸۱	
۱۶	ادامه تحصیل					۰/۷۲	
۱۷	مشارکت در فعالیتهای خانه						۰/۷۳
۱۸	مشارکت در فعالیتهای مدرسه						۰/۴۰
۱۹	مشارکت در فعالیتهای ورزشی						۰/۷۳

بزهکاری نوجوان به‌عنوان متغیر وابسته در سه بعد دزدی، خشونت و تخریب بررسی شده است. مقدار KMO آن برابر با ۰/۷۷ است و آزمون بارتلت آن نیز در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول شماره ۵: ماتریس چرخش یافته اجزای بزهکاری

عاملها			متغیرهای مشاهده شده	ردیف
تخریب	خسونت	دزدی		
		۰/۵۱	دزدی ۱	۱
		۰/۵۵	دزدی ۲	۲
		۰/۷۶	دزدی ۳	۳
		۰/۷۹	دزدی ۴	۴
	۰/۵۷		زورگیری	۵
	۰/۸۴		کنتک زدن اعضای خانواده	۶
	۰/۸۷		کنتک زدن دیگران	۷
۰/۵۵			تخریب وسایل دیگران	۸

در تعیین پایایی نیز از آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده که جز دو مورد (تعهد و مشغولیت) سایر شاخص‌ها پایایی لازم را دارند. این دو گزینه نیز در معادله رگرسیونی وارد نشدند.

جدول شماره ۶: ضریب پایایی شاخص‌ها

قدر آلفا	شاخص‌ها
۰/۷۳	خویشننداری
۰/۶۵	دلبستگی
۰/۶۸	اعتقاد
۰/۵۳	تعهد
۰/۳۸	مشغولیت
۰/۶۹	پیوند اجتماعی
۰/۷۱	بزهکاری

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل بر اساس جدول شماره ۷ حاکی از آن است که ۳۹/۳ درصد از دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر رشت از خویش‌تنداری متوسطی برخوردارند. ۳۰/۱ درصد از پاسخگویان میزان خویش‌تنداری‌شان را بالا برآورد کرده‌اند. این متغیر که از شش بعد شکل گرفته است، تاثیر بسزایی بر بزهکاری نوجوانان دارد و به عنوان مهم‌ترین متغیر مستقل مطرح است. دل‌بستگی دانش‌آموزان به عنوان یکی از ابعاد پیوند اجتماعی در نظریه کنترل مطرح است و در این تحقیق نیز در سه بعد بررسی شده است. یافته‌ها بر اساس طیف لیکرت حاکی از آن است که ۴۷/۲ درصد از پاسخ‌گویان دل‌بستگی‌شان به معلم در حد متوسط است. شواهد نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از دانش‌آموزان دل‌بستگی بالایی نسبت به والدین دارند و بیشتر آنها (یعنی ۵۲/۶) دل‌بستگی خیلی زیادی نسبت به دوستان خود دارند. مقایسه دل‌بستگی نوجوانان به دوستان، با دل‌بستگی آنها به والدین نشان می‌دهد که دل‌بستگی بالایی نوجوانان به دوستان، ۲۸ درصد بیشتر از دل‌بستگی بالایی آنها به والدین است. دل‌بستگی پایین‌شان به دوستان نیز از دل‌بستگی پایین آنها به والدین کمتر است. مقایسه میان سه متغیر دل‌بستگی به معلم، دل‌بستگی به والدین و دل‌بستگی به دوستان (به ترتیب ۳، ۳ و ۴/۵) بیانگر دل‌بستگی بالایی نوجوانان شهر رشت به همسن و سالانشان است. توزیع فراوانی متغیر تعهد به اهداف آینده به‌عنوان یکی از ابعاد پیوند اجتماعی که از ترکیب دو گویه تمایل به ادامه تحصیل و راه‌یابی به دانشگاه به دست آمده است، نشان می‌دهد که ۶۴/۴ درصد از دانش‌آموزان تعهد خیلی زیادی به اهداف بلند مدت خود دارند. پس از آن تعهد زیاد با ۲۱ درصد از بیشترین سهم برخوردار است. اگر این دو طبقه را با هم جمع کنیم عدد ۸۵/۴ درصد به دست می‌آید که تعهد بالایی دانش‌آموزان را نسبت به اهداف آینده آنها نشان می‌دهد. تنها یک درصد از پاسخگویان تعهد خیلی کمی به اهداف آینده دارند. مشغولیت یکی از ابعاد پیوند اجتماعی است که از ابعاد مشغولیت به فعالیت‌های خانه، فوق برنامه مدرسه و ورزش تشکیل می‌شود. ۶۵/۴ درصد از دانش‌آموزان میزان مشغولیت خیلی کمی دارند. ۲۳ درصد نیز میزان مشغولیت‌شان کم است. در مجموع ۸۸/۴ درصد میزان مشغولیت‌شان خیلی کم و کم است. تنها ۰/۱۲ درصد از دانش‌آموزان مشغولیت‌شان زیاد و خیلی زیاد است که این حاکی از زندگی برنامه‌ریزی نشده است. میزان اعتقاد متغیری است که از ترکیب سه گویه (اعتقاد به پلیس، قانون و درستی) ساخته شده است و به عنوان یکی از ابعاد پیوند اجتماعی بیشترین درصد را در طبقه متوسط با مقدار ۳۳/۸ درصد نشان می‌دهد. ۳۲/۸ درصد از پاسخگویان از میزان اعتقاد زیادی برخوردار هستند. کمترین میزان مربوط می‌شود به طبقه خیلی کم اعتقاد یعنی ۳ درصد از حجم نمونه.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی متغیرهای مستقل

رتبه	مفقوده	کمتر از	زیاد	متوسط	حداکثر	حداقل	مقادیر به درصد متغیرها
۱۰۰	۱/۷	۷/۴	۳۰/۱	۳۹/۳	۱۸/۸	۲/۷	خوشتنداری
۱۰۰	-	۴	۳۱/۸	۴۷/۲	۱۴/۸	۲/۲	دل بستگی به معلم
۱۰۰	-	۲۴/۴	۴۰	۲۴	۹/۶	۲	دل بستگی به والدین
۱۰۰	-	۵۲/۶	۳۹/۸	۶/۹۶	۰/۵	۰/۲	دل بستگی به دوستان
۱۰۰	-	۶۴/۴	۲۱	۱۱/۹	۱/۷	۱	تعهد به اهداف آینده
۱۰۰	۵/۲	۰/۷	۰/۵	۵/۲	۲۳	۶۵/۴	مشغولیت
۱۰۰	-	۱۸	۳۲/۸	۳۳/۸	۱۲/۳	۳	اعتقاد

بزهکاری نوجوانان به عنوان متغیر وابسته به سه بعد دزدی، تخریب و خشونت محدود شده است. توزیع درصدی دزدی (بر اساس جدول شماره ۸) نشان می‌دهد که ۴۳/۷ درصد از دانش‌آموزان شهر رشت در دو سال اخیر به هیچ عنوان مرتکب دزدی نشده‌اند. ۴۵/۲ درصد یک بار دزدی را ابراز کرده‌اند و ۹/۶ درصد نیز دو بار را ذکر کرده‌اند. توزیع درصدی خشونت نیز حاکی از آن است که ۲۲/۷ درصد به هیچ عنوان مرتکب خشونت نشده‌اند. ۳۹/۵ درصد گفته‌اند که یک بار خشونت از خود نشان داده‌اند. ۲۶/۷ درصد، دو بار در دو سال اخیر علیه اعضای خانواده و یا دیگران دست به خشونت زده‌اند. یکی از ابعاد بزهکاری تخریب وسایل دیگران است. ۳۱/۱ درصد از پاسخگویان گفته‌اند که در دو سال اخیر ابدأ وسایل دیگران را خراب نکرده‌اند. ۲۱/۲ درصد از پاسخگویان یک بار دست به تخریب زده‌اند. ۱۸/۳ درصد دو بار و ۲۱/۵ درصد چهار بار و بیشتر مرتکب این عمل شده‌اند. با توجه به میانگین تخریب (۱/۶۷)، دزدی (۰/۶۹) و خشونت (۱/۲۸) می‌توان گفت که تخریب در رتبه اول، خشونت در رتبه دوم و دزدی در رتبه سوم قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی متغیرهای وابسته

متغیرها	اصلا	یک بار	دو بار	سه بار	چهار بار و بیشتر	مفقوده	کل
دزدی	۴۳/۷	۴۵/۲	۹/۶	۰/۷	۰/۷	-	۱۰۰
تخریب	۳۱/۱	۲۱/۲	۱۸/۳	۷/۷	۲۱/۵	۰/۲	۱۰۰
خشونت	۲۲/۷	۳۹/۵	۲۶/۷	۸/۹	۲/۲	-	۱۰۰

تحلیل یافته‌ها

ابتدا به تحلیل یافته‌ها در قالب روابط دو متغیره می‌پردازیم. برای نشان دادن روابط دو متغیره در قالب جداول دو بعدی سطح متغیرها به سطح ترتیبی (کم، متوسط، زیاد) کاهش یافته است. لازم به ذکر است که مقادیر همبستگی پیرسون بر اساس داده‌های خام (رتبه بندی نشده) متغیرها گزارش می‌شود. در انتها نیز الگوی مسیر یا روابط چند متغیره یا همان فرضیه‌های اصلی تحقیق مطرح خواهد شد.

داده‌ها حکایت از آن دارد که رابطه بین خویشتنداری دانش‌آموزان مدارس متوسطه رشت و میزان بزهکاری آنها در سطح ۰/۰۱ معنادار است. جهت رابطه منفی و شدت آن براساس آمارهای پیرسون ۰/۴۲۹- است. با افزایش در خویشتنداری دانش‌آموزان از میزان بزهکاری آنها کاسته می‌شود و یا با کاهش در خویشتنداری، بزهکاری آنها افزایش می‌یابد. داده‌های جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که ۹۰/۵ درصد کسانی که خویشتنداری قوی دارند، بزهکاری کمی داشته‌اند. هرچند که تنها ۸ درصد از کسانی که خویشتنداری ضعیفی دارند، بزهکاری زیاد را ابراز داشته‌اند، اما با کاهش خویشتنداری، میزان بزهکاری متوسط افزایش می‌یابد (۵۰ درصد) و کسانی که خویشتنداری قوی داشته‌اند؛ بزهکاری زیاد نداشتند و حتی بزهکاری متوسط آنها ۹/۵ درصد بوده است. ۱۸ درصد از تغییرات بزهکاری دانش‌آموزان مدارس متوسطه شهر رشت به وسیله متغیر مستقل خویشتنداری تبیین می‌شود.

جدول شماره ۹: بزه کاری برحسب خویشتنداری

بزه کاری	خویشتنداری	ضعیف	متوسط	قوی	جمع
کم	۴۲٪	۶۸/۴٪	۹۰/۵٪	۲۸۰	۷۰/۴٪
متوسط	۵۰٪	۲۸/۵٪	۹/۵٪	۱۰۶	۲۶/۶٪
زیاد	۸٪	۳/۲٪	۰٪	۱۲	۳٪
جمع	۵۰٪	۲۵۳	۹۵	۳۹۸	۱۰۰٪
معناداری = ۰/۰۱	d سامرز = ۰/۲۹۶-	مقدار پیرسون = ۰/۴۲۹-	ضریب تعیین = ۰/۱۸		

دومین فرضیه تحقیق، وجود رابطه معکوس بین پیوند اجتماعی و بزهکاری دانش‌آموزان رشت است. برای بررسی این فرضیه متغیرهای مشغولیت و تعهد به این دلیل که از پایایی لازم برخوردار نبودند از ابعاد چهارگانه پیوند اجتماعی حذف شده و متغیر پیوند اجتماعی از دو بعد اعتقاد و دلبستگی شکل گرفته است. بر اساس جدول شماره ۱۰، ۵۶/۲ درصد کسانی که پیوند اجتماعی ضعیفی دارند بزهکاری متوسط

را ابراز کرده‌اند. با افزایش پیوند اجتماعی دانش آموزان از میزان بزهکاری متوسط کاسته می‌شود و به بزهکاری کم اضافه می‌شود. ۹۰/۴ درصد از دانش‌آموزانی که پیوند زیادی دارند، بزهکاری آنها کم است. شدت رابطه این دو متغیر بر اساس آزمون پیرسون ۰/۴۳۱- است. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان قابل تعمیم به جامعه آماری است. یافته‌ها ۱۰ درصد افزایش همبستگی را بین متغیر جدید پیوند اجتماعی و بزهکاری نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۰: بزهکاری بر اساس پیوند اجتماعی

بزهکاری	پیوند اجتماعی	ضعیف	متوسط	قوی	جمع
کم		۳۵/۶٪	۷۱/۶٪	۹۰/۴٪	۲۸۵ ۷۰/۴٪
متوسط		۵۶/۲٪	۲۵/۷٪	۹/۶٪	۱۰۸ ۲۶/۷٪
زیاد		۸/۲٪	۲/۸٪	۰/۰٪	۱۲ ۳٪
جمع		۷۳ ۱۰۰٪	۲۱۸ ۱۰۰٪	۱۱۴ ۱۰۰٪	۴۰۵ ۱۰۰٪
معناداری = ۰/۰۱	d سامرز = ۰/۳۰۹	مقدار پیرسون = ۰/۴۳۱	ضریب تعیین = ۰/۱۸۵		

فرضیه سوم، وجود رابطه مثبت بین خویش‌تنداری دانش‌آموزان و پیوند اجتماعی آنها است. شواهد تجربی وجود رابطه معنادار بین این دو متغیر را نشان می‌دهد. رابطه این دو در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است. جهت رابطه مثبت و شدت آن نسبتاً قوی است. جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد ۴۶ درصد از نوجوانانی که خویش‌تنداری ضعیفی دارند، پیوند اجتماعی‌شان ضعیف است. ۶۰/۱ درصد از دانش‌آموزانی که خویش‌تنداری متوسطی دارند، پیوندشان متوسط است و ۵۸/۹ درصد از آنان که خویش‌تنداری قوی را ابراز کرده‌اند، پیوندشان نیز قوی است. مقایسه این سه عدد حاکی از آن است که با افزایش در میزان خویش‌تنداری میزان پیوند اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. تنها ۴ درصد از کسانی که خویش‌تنداری ضعیفی دارند، پیوندشان قوی است. در مجموع ۳۰ درصد از تغییرات پیوند اجتماعی دانش‌آموزان به عنوان متغیر بینا بینی با متغیر مستقل خویش‌تنداری تبیین می‌شود.

جدول شماره ۱۱: پیوند اجتماعی براساس خویشتنداری

جمع	قوی	متوسط	ضعیف	خویشتنداری پیوند اجتماعی
۷۱ ٪۱۷/۸	٪۲/۱	٪۱۸/۲	٪۴۶	ضعیف
۲۱۴ ٪۵۳/۸	٪۳۸/۹	٪۶۰/۱	٪۵۰	متوسط
۱۱۳ ٪۲۸/۴	٪۵۸/۹	٪۲۱/۷	٪۴	قوی
۳۹۸ ٪۱۰۰	۹۵ ٪۱۰۰	۲۵۳ ٪۱۰۰	۵۰ ٪۱۰۰	جمع
معناداری = ۰/۰۱ d سامرز = -۰/۴۴۳ مقدار پیرسون = -۰/۵۴۵ ضریب تعیین = ۰/۳۰				

تحلیل رگرسیونی

در قسمت‌های قبل رابطه متغیرها به صورت دو به دو بررسی شد و فرضیه‌های اول، دوم و سوم بر اساس آزمون پیرسون مورد تایید قرار گرفت. اما در این قسمت از رگرسیون استفاده می‌شود. با استفاده از رگرسیون، تاثیر متغیرهای مستقل به طور هم زمان بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. لازم به ذکر است که متغیرهای زمینه‌ای این تحقیق (مانند تحصیلات پدر و مادر، سن دانش‌آموز، شغل پدر، درآمد خانواده و...) چون رابطه معناداری با بزهکاری نداشته‌اند؛ وارد الگوی رگرسیونی نیز نشدند. در مدل اول، متغیرهای خویشتنداری و پیوند اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مستقل و بزهکاری به‌عنوان متغیر وابسته به روش انتر (Enter) وارد رگرسیون می‌شود. در الگوی اول ابتدا خویشتنداری و سپس پیوند اجتماعی وارد معادله شده‌اند.

جدول رگرسیونی نشان می‌دهد که بین خویشتنداری و بزهکاری رابطه معکوس وجود دارد. بین پیوند اجتماعی و بزهکاری نیز رابطه معکوس وجود دارد که از لحاظ آماری معنادار است. ضریب بتای متغیر خویشتنداری یک دهم بیشتر از متغیر پیوند اجتماعی است. متغیر پیوند اجتماعی براساس دو بعد دلبستگی و اعتقاد ساخته شد و ابعاد تعهد و مشغولیت به دلیل پایایی ضعیف از پیوند اجتماعی کنار گذاشته شدند. این مدل در مجموع حدود ۲۴ درصد از متغیر وابسته تحقیق یعنی بزهکاری نوجوانان را تبیین می‌کند. به عبارتی ۲۴ درصد از بزهکاری دانش‌آموزان مدارس متوسطه رشت توسط دو متغیر خویشتنداری و پیوند اجتماعی قابل توضیح است و بقیه (۷۶ درصد) خطای الگوی یا مقدار باقی مانده است یعنی متغیرهای دیگری که وارد الگوی نشده‌اند. معادله استاندارد تبیین بزهکاری نیز به صورت زیر است:

$$\text{بزهکاری} = -۰/۲۷ (\text{پیوند اجتماعی}) - ۰/۲۸ (\text{خویشتنداری}) - ۰/۲۸$$

بر اساس مقدار بتا (Beta) نقش خویشتنداری در کاهش بزهکاری بیشتر از پیوند اجتماعی است. بر اساس بتای به دست آمده برای خویشتنداری، به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار بهره‌هوشی به اندازه ۰/۲۸- درصد بزهکاری نوجوانان تغییر ایجاد می‌گردد. در حالی که به ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار پیوند اجتماعی، ۰/۲۷- درصد در بزهکاری تغییر ایجاد می‌شود.

جدول شماره ۱۲: الگوی رگرسیون دومتغیره (خویشتنداری و پیوند اجتماعی)

R ^۲ (ضریب تبیین)	R	معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد Beta	ضرایب غیر استاندارد		الگوی ۱
					خطای استاندارد	B	
		۰/۰۰۰	۱۵/۸۱۲		۰/۲۰۵	۳/۲۴۳	عدد ثابت
۰/۱۸۴	۰/۴۲۹	۰/۰۰۰	-۵/۳۶۹	-۰/۲۸۲	۰/۰۰۶	-۰/۰۳۱	خویشتنداری
۰/۲۳۶	۰/۴۸۶	۰/۰۰۰	-۵/۱۶۵	-۰/۲۷۱	۰/۰۳۰	-۰/۱۵۳	پیوند اجتماعی

در مرحله بعدی متغیرهای خویشتنداری و پیوند اجتماعی وارد رگرسیون شدند، اولی مستقل و دومی وابسته است. براساس جدول شماره ۷، فرضیه سوم یعنی رابطه بین خویشتنداری و پیوند اجتماعی نیز در سطح خطا ۰/۰۱ معنادار است. این رابطه مثبت است یعنی با افزایش خویشتنداری، پیوند اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، پیوند نیز کاهش می‌یابد. ضریب بتای رابطه خویشتنداری و پیوند اجتماعی برابر با ۰/۵۴۵ شده است. بین خویشتنداری و بزهکاری نیز به طور غیرمستقیم (از طریق پیوند اجتماعی) رابطه معکوس وجود دارد و این از طریق ضرب کردن بتاهای مسیر مشخص می‌شود.

جدول شماره ۱۳: الگوی رگرسیون یک متغیره (خویشتنداری)

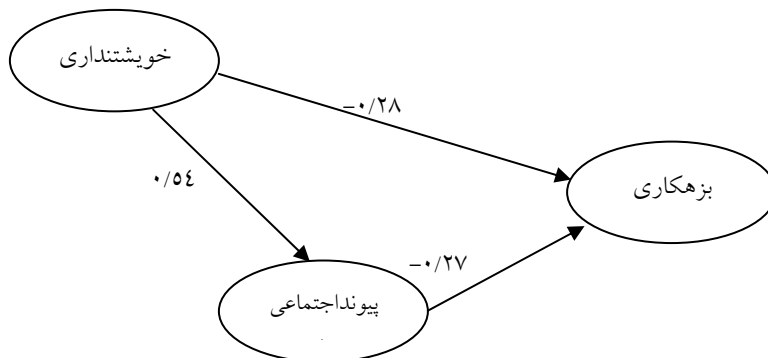
R ^۲	R	معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد Beta	ضرایب غیر استاندارد		الگوی ۲
					خطای استاندارد	B	
		۰/۰۰۰	۸/۸۸۵		۰/۳۱۸	۲/۸۲۸	عدد ثابت
۰/۲۹۷	۰/۵۴۵	۰/۰۰۰	۰/۱۲/۹۴۶	۰/۵۴۵	۰/۰۰۸	۰/۱۰۶	خویشتنداری

الگوی مسیر نشان می‌دهد که خویشتنداری به طور غیرمستقیم با بزهکاری رابطه معکوس دارد. این رابطه در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است و مقدار آن برابر است با ضریب بتاها (یعنی ۰/۲۷*۰/۵۴۵). جمع تاثیرات متغیر خویشتنداری بر بزهکاری که از جمع تاثیر مستقیم و غیرمستقیم به دست می‌آید برابر است با:

$$\text{تأثیر غیرمستقیم} + \text{تأثیر مستقیم} = \text{تأثیر کل}$$

$$-۰/۲۸ + -۰/۱۴/۵ = -۰/۴۲/۵$$

با توجه به جداول رگرسیونی سه فرضیه اصلی تحقیق همگی تایید می‌شوند.



نتیجه‌گیری

اول، نوجوانانی که در شهر رشت خویش‌اندازی ضعیفی دارند، بزهکاری‌شان بالا است. این افراد به دنبال ارضای فوری نیازهای‌شان هستند، از شیوه‌های آسان برای برآوردن خواسته‌های‌شان استفاده می‌کنند، افرادی هستند که پایداری کمی دارند، توان برنامه‌ریزی ندارند، خود محورند، نسبت به دیگران بی‌تفاوت‌اند و به زمینه‌ها و وضعیت به طور فیزیکی پاسخ می‌دهند. این افراد در پاسخ به سوالات نیز عمدتاً صداقت ندارند.

دوم؛ خویش‌اندازی نوجوانان شهر رشت به طور غیرمستقیم نیز بر میزان بزهکاری آنها تاثیر دارد. یعنی کسانی که خویش‌اندازی ضعیفی دارند، پیوند اجتماعی‌شان نیز ضعیف است و کسانی که پیوند اجتماعی آنها ضعیف است، بزهکاری بالایی دارند. بنابراین خویش‌اندازی از طریق متغیر پیوند اجتماعی نیز بر بزهکاری تاثیر می‌گذارد.

سوم، رابطه پیوند اجتماعی و بزهکاری معنادار است و بررسی پیوند اجتماعی در ابعادش نشان می‌دهد که بین متغیرهای اعتقاد و دلبستگی نوجوانان شهر رشت و میزان بزهکاری‌شان رابطه معکوس وجود دارد. چهارم؛ از ابعاد پیوند اجتماعی، "مشغولیت" رابطه بسیار ضعیفی را با بزهکاری نشان می‌دهد. این احتمالاً ناشی از پایین بودن میزان پایایی متغیر و یا زندگی برنامه‌ریزی نشده نوجوانان در شهر رشت است. اما در مطالعات انجام شده در خارج از ایران بین مشغولیت نوجوانان و میزان بزهکاری آنها رابطه‌ای قوی به اثبات رسیده است.

پنجم؛ از بین عناصر پیوند اجتماعی، اعتقاد، قوی‌ترین رابطه را با بزهکاری نوجوانان در رشت نشان می‌دهد. اما در تحقیقی که هیرشی در آمریکا انجام داد دلبستگی موثرترین متغیر پیوند اجتماعی در تبیین بزهکاری بود.

ششم؛ دلبستگی نوجوانان به دوستان بیشتر از دلبستگی آنها به والدین و معلمانشان است. در واقع نوجوانان اهمیت زیادی برای ارتباط با دوستانشان قایل هستند. بنابراین، تاثیر عامل یادگیری از دوستان می‌تواند در تبیین بزهکاری موثر باشد. به عبارتی نوجوانانی که دوستان بزهکار دارند، بزهکاری آنها نیز بیشتر است.

هفتم؛ از طرفی بین عناصر پیوند اجتماعی نیز رابطه معنادار وجود دارد مثلاً کسانی که دلبستگی‌شان بیشتر است، از اعتقاد بیشتری نسبت به هنجارها و قوانین برخوردارند. هشتم؛ دو متغیر خویشتنداری و پیوند اجتماعی ۲۴ درصد از بزهکاری نوجوانان (دانش‌آموزان مدارس متوسطه) رشت را تبیین می‌کند. یافته‌ها به خوبی نشان می‌دهد ادعای کسانی که می‌گویند کنترل باعث بزهکاری می‌شود ادعای درستی نیست. به نظر می‌رسد این نظریه برای تبیین بزهکاری در رشت از نظریه‌های دیگر مناسب‌تر است. ادعای جامع بودن آن را می‌توان با بررسی تجربی آن در شهرهای دیگر نیز ارزیابی کرد.

پیشنهادها

اول، از آنجایی که در ایران آمارهای رسمی چندان قابل اعتنا نیستند، یکی از راههای مطالعه بزهکاری مراجعه به نوجوانان اعم از بزهکار (که در مراکز اصلاح و تربیت مورد بازپروری قرار دارند) و غیر بزهکار است. دانش‌آموزان را می‌توان به روش پیمایش خود اظهاری مورد مطالعه قرار داد، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات مشابهی با این روش انجام شود.

دوم؛ برای دستیابی به نتایج قابل اعتنا و معتبر باید اعتماد پاسخگو را به دست آورد از جمله انتقاداتی که به این نوع مطالعات وارد است این است که معمولاً پاسخگویان به سوالات با صداقت جواب نمی‌دهند چون احساس خطر می‌کنند، به خصوص اگر بزهکاری جدی باشد. محقق می‌تواند با صحبت کردن و متقاعد کردن پاسخگویان و جلب نظر آنان به اهمیت تحقیق، کسب اعتماد کند، همچنین می‌تواند از معلمان یا دانش‌آموزانی که در بین دانش‌آموزان نفوذ و اعتبار دارند، استفاده کند. راه دیگر برای گرفتن جواب‌های صحیح استفاده از سوال‌ها و گویه‌هایی است که بزهکاری را تا اندازه‌ای معمولی جلوه دهد تا به این ترتیب پاسخگو کمتر احساس خطر کند.

سوم؛ جامعه پذیری اولیه که در خانواده و در سال‌های ابتدایی زندگی اتفاق می‌افتد، سهم بسزایی در آینده هر فرد ایفا می‌کند. افرادی که فرآیند جامعه پذیری مناسبی را طی کرده اند، در نوجوانی به سادگی تسلیم بزهکاری نمی‌شوند. بنابراین، آموزش خانواده‌ها برای اعمال نظارت در رفتار بچه‌ها می‌تواند موثر باشد. مثلاً خانواده‌ها می‌توانند رفت و آمد فرزندان خود را زیر نظر داشته باشند، اوقات فراغت آنها را با برنامه‌های مختلف پر کنند و مهارت‌های اجتماعی آنها را افزایش دهند. این می‌تواند خویشتنداری نوجوانان و ارتباط آنها را با جامعه تقویت کند.

چهارم؛ تقویت و حمایت خانواده و جامعه از نوجوانان بزهکار می‌تواند در بازسازی حیات اجتماعی و جلوگیری از بزهکاری‌های مجدد تاثیر مطلوبی داشته باشد. خانواده‌ها باید برخورد مناسبی با نوجوانان داشته باشند، مثلاً تنبیه نوجوان به خاطر یک بزهکاری جزئی، خود کنترلی او را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که خانواده‌ها و اعضای جامعه فرصت جبران به نوجوانان بدهند و با آنها مثل یک آدم بیمار برخورد نکنند.

پنجم؛ سهم مدرسه را در جامعه‌پذیری نوجوان نباید نادیده گرفت. نوجوانی که در محیط مطلوبی در مدرسه فعالیت می‌کند و ارتباط مناسبی را با معلم و همکلاسی‌هایش دارد، کمتر دچار بزه‌کاری می‌شود. آموزش معلمان برای برخورد مناسب با نوجوانان و برقراری رابطه صمیمی با آنها به طوری که نوجوانان به راحتی مشکلات خود را با معلمان در میان بگذارند، مفید است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- از نظر مارشال بزهکاری به اعمالی اشاره دارد که منع قانونی دارند و توسط نوجوانان گروه سنی ۱۲ تا ۱۸ سال انجام می‌شوند. بزه‌کاری به رفتارهای مشخصی که در درون زمینه‌های فرهنگی متفاوت به عنوان یک رفتار منحرفانه در نظر گرفته می‌شوند، گفته می‌شود. اصطلاح بزهکاری برای دامنه وسیعی از رفتارها شامل تهاجم به ارزشهای قابل احترام مثل فرار از مدرسه تا جرایمی مثل دزدی از مغازه، شکستن شیشه مغازه و وارد شدن به آن و سرقت ماشین به کار می‌رود (مارشال، ۱۹۹۸: ۱۴۶).
- ۲- روزبهانی، توران (۱۳۸۲) نقش خانواده به‌عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان با تکیه بر نظم در خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- جلیلی صالح، صادق (۱۳۸۱)، عوامل موثر بر پیشگیری از ارتکاب به جرم در بین جوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، فشار و انحراف فرهنگی در این دیدگاه قرار دارند.
- ۴- این نظریه‌ها به سه شاخه مستقل تقسیم می‌شوند: نظریه‌های یادگیری اجتماعی، کنترل و کنش اجتماعی.

منابع

- «بزه‌کاری اطفال و نوجوانان» مجله دادگستر، شماره ۲.
- بیکر، ترزا ال (۱۳۷۷) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی؛ ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- سالنامه آماری استان گیلان (۱۳۸۳) رشت: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- گزارش برآورد جمعیت استان گیلان تا سال ۱۴۰۰ (۱۳۸۳) سازمان مدیریت استان گیلان، معاونت آمار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- Encyclopedia Americana (1963) vol 16, U.S.A.
- Gottfredson, Michael R, Hirschi, Travis (1990) a General theory of crime, stanford, CA: Stanford university press.
- Hay, Carter (2001) "Parenting, Self-Control, and Delinquency: A test of self-control theory", Criminology, Vol 39, No 3.

- Longshore. Douglas (1998) "Self-Control and Criminal opportunity: A prospective test of the General theory of Crime", Social Problems, Vol 45, No 1.
- Marshall. Gordon (1998) A Dictionary of Sociology, New York: Oxford.
- PRATT. C. Travis, Cullen. Francis (2000) "The empirical status of Gottfredson and Hirschi's General theory of Crime: a Meta-Analysis", Criminology, vol 38, No 3.
- Reid. Sue itus (2000) Crime and Criminology, Ninth Edition, Mc Graw Hill Companies.
- Siegel. L. J (2000) Criminology: Theories, Patterns, and typologies, university of Massachusetts. 7th ed.
- Turner. Michael G, Piquero. Alex R (2002) " The Stability of Self-Control", Journal of Criminal Justice, No30.
- Vold. George, et al (2002) theoretical criminology, New York, Oxford university press, Fifth edition.
- Zhang. Sheldon, et al (2000) "A test-retest reliability assessment of the international self-report delinquency instrument", Journal of Criminal Justice, No28.